بایسته های قرائت قرآن با بررسی معنایی واژه « إقرأ»

عبدالمجید طالب تاش[1]

چکیده

فرمان«اقرأ» در آغاز نزول وحی، نخستین دستورالعمل هدفمندی است که رویکرد اصلی دعوت پیامبر اسلام (ص) را مشخص می کند. از این رو ایشان در قرائت و حفظ قرآن کوشا بود و به اقراء بر ایمان آورندگان اهتمام می ورزید. پیامبر(ص) در تعلیم آیات و سور به اصحاب، بیشتر بر تعلیم شفاهی و آموزش سمعی تأکید داشت؛ ایشان آیات را پس از نزول برای اصحاب قرائت می کرد و آن ها را به خواندن، بازخوانی و حفظ وادار می نمود و عدّه ای را برای تعلیم قرآن به اطراف می فرستاد. این رویکرد سبب شده است از همان ادوار نخستین عدّه ای به عنوان قاری شناخته شوند و سلسله قرّاء قرآن، قرن به قرن ادامه یابد. در این نوشتار با بررسی لایه های مختلف معنایی «إقرأ»، فرایند اهتمام پیامبر اسلام به قرائت قرآن و چگونگی قرائت ایشان را باز شناسی شده و از این مسیر بایسته هایی برای قرائت قرآن مشخص شده است. در این بررسی روشن می گردد که محور تعلیم قرآن، قرائت با گسترهٔ معنایی آن است. خواندن همراه با تأنّی، نخستین لایهٔ معنایی قرائت است؛ و لایه های دیگر شامل مطالعه، تدبّر، تعمّق، فهم، آگاهی، تأثیر پذیری و عمل به آیات قرآن است که در قرائت پیامبر اسلام مشهود بود و تأسی از آن برای مسلمانان لازم است.

کلید واژه ها: قرائت، قرآن، پیامبر اسلام، معناشناسی، مسلمانان، اقراء

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج talebtash@yahoo.com

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

مقدمه

قرآن کریم به عنوان معجزه آخرین پیامبر الهی خاستگاه تحوّل فرهنگی و علمی در میان ایمان آورندگان و مسلمانان شد. زبان عربی، میانجی ارتباطی وحی قرآن با انسان شد که مبنای تعلیمات قرآن قرار گرفت. در تحوّل و تکامل فرهنگ اسلامی، زبان عربی نقشی عمده داشت تا جایی که تحصیل زبان عربی به صورت های مختلف آن، نمایندهٔ نخستین مرحله در تحوّل فرهنگ اسلامی شد(هولت، ۶۲). تحوّلی که تمدّن عظیم اسلامی را به وجود آورد و قرن های متوالی هر گونه تحوّل علمی و فرهنگی در جوامع بشری، متأثّر از دستگاه فکری این کتاب آسمانی بود(ابوزید، ۴۶). این کتاب با رویکردی تزکیه بخش و تعلیم محور(نک: البقره، ۱۵۱؛ آل عمرن، ۱۶۴؛ الجمعه، ۲)، سلامت همه جانبه انسان عصر نزول به بعد را هدف گذاری کرده و بر آن شد تا از طریق آموزه های خود، جهانی آکنده از روشنایی و سعادت برای انسان ها بسازد و آن ها را از هر گونه تاریکی و جهالت دور بدارد(نک: البقره، ۲۵۷). از آنجا که دروازه ورود به آموزه ها و دستورالعمل های این متن زبانی، قرائت و مطالعه آن است، نخستین واژ ه ای که در هنگام بعثت پیامبر اسلام بر او فرود آمد، فرمان قرائت بود؛ تا خود آن را قرائت نماید و سپس به مردم ابلاغ کند. در قرآن هشتاد و هشت بار از واژگان مرتبط با قرائت استفاده شده است. هفتاد بار کلمه قرآن به کار رفته است که شصت و پنج مورد آن منظور مجموعه آیات نازل شده بر پیامبر اسلام است(نک: فؤاد عبدالباقی، ذیل ریشه ق ر أ). از این رو کشف لایه های مختلف معنایی قرائت و آشنایی با چگونگی قرائت پیامبر اسلام می تواند زمینه استفاده مناسب از این کتاب را فراهم آورد. بی تردید فهم درست پیشینیان از نحوه قرائت قرآن، به عنوان مهم ترین راه کار بهره مند شدن از تعالیم آن، نقش بسزایی در تمدن سازی اسلامی داشته است و هم اکنون به عنوان راه کار نهایی مسلمانان برای پیشرفت مادی و معنوی ضروری می نماید. از این منظر در ساختار فرهنگ قرآن، بررسی معنای أِقرَأ و کشف لایه های معنایی قرائت و آشنایی با چگونگی قرائت پیامبر اسلام، امری ضروری و حائز اهمیّت برای دستیابی به بایسته های قرائت قرآن است که این نوشتار در پی آن است.

خطاب آغازین وحی

در فرایند نزول وحی بر پیامبر اسلامصلّی الله علیه و آله، فرمان «إقرأ» نخستین کلام تنزیل است که فرشتهٔ وحی به ایشان ابلاغ می کند. پیامبر که پیش از این خطاب، سابقه ای از حضور در مکتب خانه ها نداشته و خواندن نمی دانست، در پی شنیدن این فرمان شگفت، با حیرت پاسخ داد: « ما انا بقارىءِ من خواندن نتوانم ». جبرئیل، فرشته وحی، سه بار او را به سختی فشرد و به سوی خود جذب کرد و این پیام و پاسخ تکرار شد. آن گاه پنج آیه اوّل سوره علق یعنی: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۵)**، بر پیامبر اسلام نازل شد(نک: ابن اثیر، ۲/ ۴۸؛ یعقوبی، ۱/ ۳۷۷؛ مسعودی، ۱/ ۶۳۱؛ قرطبی، ۲۱/ ۱۱۷؛ نویری، ۱/ ۱۶۹؛ فراء، ۳/ ۲۷۸). مفسران گفته اند که امر به قرائت از نوع قرائت

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

تعلیمی بود؛ یعنی جبرییل قرآن را بر پیامبر اقراء کرد و قرائت آن را به وی تعلیم داد(فضلی، ۲۳). پیامبر امّی که در لحظه دریافت وحی، نفس مستعدّش در افق اعلی جای گرفته و تا عالم فرشتگان ارتقا یافته است(ابن خلدون، ۹۷)، در آن سعه عالم ربوبیّ فرشته وحی را مشاهده نمود که این فرمان سخت و مسؤولیت آور را با تعبیر آرامش بخش« **باسم ربّک**» هم نشین ساخت و به او فهماند که پس از خواندن، باید مردم را از طریق اسم به سوی مسمّی هدایت و رهبری نماید و از لفظ به معنا برساند و از معانی به حقیقت نزدیک گرداند(بانوی اصفهانی، ۱۵/ ۱۹۱). از این رو بازگشت از معراج وحیانی، ایشان را با مسؤولیتی سنگین مواجه کرد و در شرایط تازه ای قرار داد که معنایش جاری شدن در زمان است؛ با این هدف که جریان تاریخ را تحت ضبط در آورد و از این راه جهان تازه ای از کمال مطلوب ها خلق کند(اقبال لاهوری،۱۴۳).

بنا بر این خطاب آغازین وحی حاکی از این است که مسؤولیت جدید پیامبر یعنی نبوّت و رسالت، با قرائت آغاز می شود و قرائت او با اسم ربّ پیوند می خورد تا با گذر از اسم، مردم را به معرفت از مسمّایی دعوت کند که آفرینش گر همه موجودات هستی و از جمله انسان است.

قرائت محوری وحی قرآن

از آنجا که نخستین آیه نازل شده بر پیامبر در آغاز بعثت، او را به قرائت دستور داد: «**اقرأ**»(العلق، ۱)؛ ایشان در قرائت و خواندن مکرّر آیات، و حفظ کردن و به خاطر سپردن آن ها بسیار کوشا بود(طبرسی، ۱۰/ ۱۷۵)، و بـه رغـم امّـی بودن، قرآن را به خوبی حفظ می کرد. طبق روایت ابن عباس وقتی جبرییل قرآن را بـر پیـامبر اقـراء مـی کـرد زبـان ایشان به سرعت به حرکت می افتاد و به فراگیری و ضبط آن حرص می ورزید. طبق روایت مشابهی که از سعید بن جبیر رسیده پیش از این که جبرییل از بیان آیات فارغ شود زبان و لب های پیامبر به حرکت می افتاد و در قرائـت و خواندن قرآن شتاب می کرد تا آن را دریافت کند(طبرسی، ۱۰/ ۱۷۵). این آیات: « **لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ *** » (القیمه، ۱۶تا۱۹)؛ به دنبال این مسأله نازل شد تا بـه او اطمینان دهد که خداوند حفظ قرآن را ضمانت کرده است(قرطبی، ۲۰/ ۱۰۶). چنان که بـه دنبـال حـرص ایشـان در حفظ و به خاطر سپردن قرآن بود که آیه ۱۱۴ سوره طه نازل شد: « **وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِن قَبْلِ أَن يُقْضَى إِلَيْكَ وَحْيُهُ** » در [خواندن] قرآن پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد شتاب مکن. گفته اند پیامبر از ترس فراموشی پیوسته آیات را می خواند(طبرسی، ۷/ ۵۲)؛ و خداوند برای زایل نمودن خوف ایشان این آیات را نازل کرد: « **سَنُقْرِؤُكَ فَلَا تَنسَى** » ما بزودی [آیات خود را] بر تو خواهیم خواند تـا فرامـوش نکنـی(الاعلـی، ۶؛ فخـر رازی، ۳۱/ ۱۳۰). از ایـن رو امتیـاز قرائت قرآن و حفظ آن بیش از همه به شخص رسول اکرم اختصاص یافت و ایشان نخستین قاری و حافظ قـرآن بـه شمار می آید(صبحی صالح، ۱۰۷).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

امّا مسؤولیت پیامبر در باره فرمان قرائت، به خودش محدود نمی شود؛ بلکه لازم است آن را بر مردم هم اقراء کند: « **وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنزِيلًا** » و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم(الاسراء، ۱۰۶). از این رو پیامبر اصرار داشت که اصحاب قرآن را بیاموزند و آن را حفظ کنند. و اصحاب، هنگامی که آیه یا سوره ای را از پیامبر می آموختند چندین بار در محضر ایشان قرائت می کردند تا در ذهنشان تثبیت شود و آن را به خوبی حفظ نمایند. آن گاه از پیامبر می پرسیدند: آیا همان گونه که نازل شده است آن را حفظ کرده اند؟ و این سؤال را تکرار می کردند تا زمانی که از ایشان تأیید می گرفتند؛ آن گاه به نشر آن می پرداختند و به فرزندان خود و دیگران آموزش می دادند(زنجانی، ۳۸). صحابه قرآن را به طریق شفاهی از پیامبر فرا می گرفتند و در اقطار اسلامی پراکنده می شدند و به عنوان مرجع قرائت محلّ رجوع مسلمانان بودند(کمالی، ۱۶۵). هم چنین پیامبر برای ترویج و گسترش تعلیم قرآن در مناطق مختلف، معلمان قرآن را گسیل می کرد تا با همان شیوه سمعی یعنی قرائت و استماع، شاگردان بسیاری را تربیت کنند و قرآن را با چهره خواندنی و شنیدنی اش برای مردم مأنوس گردانند(لسانی فشارکی، ۵۶۴). لذا قرائت قرآن، نخستین و مهم ترین وسیله دعوت پیامبر اکرم در موسم هایی بود که با مردم ملاقات می کرد و آن ها را به اسلام دعوت می نمود. و کسانی که اسلام را می پذیرفتند ابتدا قرآن بر آن ها خوانده می شد و سپس خود به قرائت قرآن می پرداختند(غانم قدّوری، ۵۶۵). ایشان در هر فرصتی یارانشان را فرا می خواند و به صورت دسته جمعی به قرائت و تلاوت قرآن می پرداخت و مطابق اصطلاحی که بعدها رایج گردید برای آنان حوزه قرائت تشکیل می داد(لسانی فشارکی،۲۰). از ابن مسعود و ابیّ بن کعب نقل شده که می گفتند: از رسول خدا ده آیه را فرا می گرفتیم و پس از آن که نسبت به آن آیات از لحاظ علم و عمل آگاهی کسب می کردیم به فراگیری ده آیه بعد می پرداختیم(قرطبی، ۱/ ۴۰). این رویکرد پیامبر سبب شده بود اصحاب پیامبر به قرائت قرآن اهتمام جدّی بورزند و در میان صحابه عدّه ای به عنوان قاری شهرت یافته بودند که قرائت قاریان قرآن که مردم از آن پیروی می کنند به آن ها باز می گردد. از میان آن ها هفت قاری یعنی علی بن ابیطالب، عثمان بن عفان، ابیّ بن کعب، زید بن ثابت، عبدالله بن مسعود، ابو الدّرداء و ابو موسی اشعری پرآوازه بودند و قرائت آن ها مرجع به شمار می آمد(صادق رافعی، ۵۱). قرطبی روایتی از ابو جارد عطاردی آورده که می گوید: «ابو موسی اشعری ما را در مسجد بصره جمع می کرد و حلقه درس تشکیل می داد و قرآن را بر ما اقراء می کرد» (قرطبی، ۲۱/ ۱۱۸). با این برنامه ریزی تعداد بسیاری قاری و حافظ در جامعه اسلامی تربیت شدند. در خبر صحیح آمده که هفتاد نفر از قرّاء در عصر پیامبر در غزوه بئر

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

معونه شرکت داشتند(نک: زرکشی، ۱/ ۲۴۱؛ سیوطی، ۱/ ۲۴۰). این خبر نشان می دهد که پیامبر با ایجاد شبکه های اجتماعی، حفظ قرآن در جامعه دینی را به یک جریان فراگیر تبدیل کرده بود. اخباری در دست است که نشان می دهد از همان سال های نخستین بعثت، موج قرآن آموزی به مدینه هم رسیده بود. براء از اهالی مدینه نقل می کند که مصعب بن عمیر و عبدالله بن مکتوم به عنوان معلّم قرآن بر ما وارد شدند. و در مورد ورود مصعب به مدینه آمده است که وی در دار القرّاء فرود آمد(زنجانی، ۴۰). از این رو می توان اطمینان حاصل کرد که قرائت قرآن حتی پیش از ورود مصعب در مدینه رواج داشته است. بعدها مسأله قرائت قرآن در مدینه چنان گسترش یافت که در میان انصار هفتاد نفر به نام قرّاء شناخته شده بودند که شب ها به اطراف مدینه می رفتند و به آموزش قرائت قرآن می پرداختند(واقدی،۲/ ۳۴۷). لقب « مقری» به کسانی اطلاق می شد که قرآن را برای دیگران قرائت می کردند و به آن ها آموزش می دادند. اولین کسی که به این لقب متّصف شد مصعب بن عمیر است(ابن هشام، ۲/ ۷۶). این امر سبب شده بود مسلمانان همواره به تلاوت قرآن ایمان داشته و آن را از همان آغاز اسلام از بهترین اعمال به شمار بیاورند؛ به گونه ای که قاری قرآن در بسیاری از مظاهر زندگی اجتماعی بر دیگران مقدم می شد و پیوسته عدّه ای به عنوان قاری شهرت داشتند و سلسله قرّاء قرآن، قرن به قرن ادامه یافت(معرفت، ۱۸۱؛ غانم قدّوری، ۵۶۷). اصولاً علاوه بر تأکید قرآن، شرایط اجتماعی عصر نزول هم ایجاب می کرد که محور تعلیم و آموزش قرآن، قرائت و حفظ باشد؛ چرا که از یک سو خط کوفی به دلیل نداشتن نقطه با اشکال های نگارشی همراه بود و از سوی دیگر عامّه مردم بی سواد بودند. لذا بهترین راه برای ضبط قرآن، قرائت و حفظ به شمار می آمد و همین روش سنت متبعه ای شد که برای عصرهای بعدی هم به یادگار ماند(طباطبایی، قرآن در اسلام،۱۲۰). این است که مسلمانان قرائت قرآن را موهبت و کرامتی می دانند که خداوند به نوع بشر عطا کرده؛ زیرا در خبر وارد شده که این کرامت به فرشتگان عطا نشده و آن ها تشنه اند که آن را از زبان انسان ها استماع کنند(همو، المیزان، ۱/ ۳۳۵). از این رو مسلمانان حفظ قرآن را واجب کفایی می دانند و هدف این است که در نقل شفاهی قرآن عدد تواتر به هم نخورد و تغییر و تحریفی در قرآن واقع نشود(سیوطی، ۱/ ۳۲۳). بر همین اساس است که تعداد زیادی از صحابه تمام قرآن را حفظ کرده بودند که برخی از آن ها فرصت یافتند محفوظات خود را بر رسول اکرم عرضه نمایند(صبحی صالح، ۱۱۰). بنابراین تأکید نخستین آیات نازل شده بر امر قرائت، سبب شد حفظ و قرائت قرآن در نزد پیامبر و صحابه از جایگاه والایی برخوردار گردد. از این رو در میان تابعین و نسل های بعدی امر قرائت، محور تعلیم قرآن قرار گرفت و تا به امروز مسأله حفظ و قرائت قرآن و برگزاری مجالس قرائت به عنوان یک سنت حسنه رواج دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

بررسی معنایی قرائت

«اِقرَأ»، فعل امر از مصدر قرائت است که به معنای جمع و گردآوری است(ابن منظور، ۱/ ۱۳۱؛ راغب، ۶۶۸). از این رو «قرأتُ الشیءَ قرآناً» یعنی آن را گردآوری کردم و بخشی از آن را به بخش دیگر منضمّ نمودم(جوهری، ۱/ ۶۴). القارىء به معنای الحامل یعنی حمل کننده نیز آمده است(فراهیدی، ۵/ ۲۰۵). شاعر گوید: هجانُ اللونِ لم تقرأ جنیناً یعنی جنینی حمل نکرده است(ابن منظور، ۱/ ۱۲۸). و گفته می شود: قَرأتِ المرأة قرءاً(فراهیدی، ۵/ ۲۰۴؛ ابن منظور، ۱/ ۱۳۱).

آن چه در باره معنای قرائت آمد در محدودهٔ معنا شناسی وضع نخستین این واژه می گنجد؛ امّا این واژه بر اثر کاربردهای حقیقی و مجازی، در محدوده معنای اصلی و اولیهٔ خود باقی نمانده و در گذر زمان از گستره معنایی وسیع تری برخوردار شده است. از این رو قرائت را در معنای خواندن متن مکتوب گسترش داده اند؛ به این دلیل که خواننده حروف و کلمات را به یکدیگر منضمّ می کند و آن ها را با هم جمع می کند(راغب، ۶۶۸). اعراب پس از آشنایی با این واژه آرامی آن را در معنای تلاوت به کار گرفتند(صبحی صالح، ۳۵). از این رو «قرأتُ القرآن» یعنی الفاظ آن را با هم جمع کردم و حروف و کلمات آن را به صورت آشکار و واضح ادا نمودم. بر اساس همین معناست که گفته اند دلیل نام گذاری وحی پیامبر اسلام به قرآن این است که سوره های آن گردآوری شده و به هم پیوست گردیده است. برخی دیگر وجه تسمیه قرآن را این دانسته اند که تمام فرآورده های کتب آسمانی پیشین در آن گرد آمده است و یا گروهی دیگر گفته اند به این دلیل قرآن نامیده شده که داستان ها و اوامر و نواهی و وعد و وعید و آیات و سور در آن جمع شده است (جوهری، ۱/ ۶۴؛ طریحی، ۱/ ۳۳۷؛ صبحی صالح، ۳۴).

در فرایند توسعه معنایی این واژه، مفهوم شهود و علم را هم گستره معنایی آن جای گرفته و به شاهدی که از آگاهی و علم نسبت به آن چه شهادت می دهد برخوردار باشد قاری گفته اند(ابن فارس، ۸۸۴). همین طور به شخص متنسّک و زاهد قرّاء گفته اند که جمع آن قرّاؤون است(جوهری، ۱/ ۶۴). لذا تَقَرَّأَ را به معنای تَنَسَّکَ گرفته اند و «قَرَأْتُ» یعنی صِرْتُ قارئاً ناسِکا(ابن منظور،۱/ ۱۳۰). فرّاء گفته است که ابو صدقه دبیر برایم چنین سرود: بیضاء تصطاد الغویّ و تستبی بالحسن قلب المسلم القرّاء که «المسلم القرّاء» به معنای مسلمان متنسّک آورده است(جوهری، ۱/ ۶۵). و بر پایه همین معنای ثانویه و گسترش یافته است که قرائت را در معنای فهم و ضبط معانی مکتوب با بصر گسترش داده اند؛ و منظور از بصر اعمّ از قوّه محسوس و بصیرت باطنی است. لذا گفته اند در قرائت باید خصوصیت فهم و ضبط حاصل شود وگرنه به صرف توجه قلبی یا بصری یا سایر حواس به مفاهیم و معانی، قرائت گفته نمی شود. و به همین مناسبت است که به تفقه، مجازاً قرائت گفته شده است(مصطفوی، ۹/ ۲۲۰). و از همین منظر است که قراءه الکفّ را به معنای کف بینی گرفته اند که با آگاهی و علم نسبت به حقایق همراه است. هم چنین قرائت را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

از بر خواندن، تلاوت، خوانش مبتنی بر مراعات اصول و قواعد تجویدی، خواندن فصیح ، مطالعه و تحقیق معنا می کنند(هانس وِر، ۵۳۵).

این گستردگی معنا که برای واژه قرائت یافت شد حاکی از این است که فرمان اِقرَأ، به مطلق خواندن محدود نمی شود و در حقیقت، هم شامل جمع کردن حروف و کلمات برای تلفظ و خواندن می شود و هم مطالعه را در بر می گیرد(طباطبایی، ۲۰/ ۷۴۷). ملاحظه می شود که فرمان نخستین خداوند به پیامبر یعنی «أقرأ»، فرمانی وسیع المعنی است که به خواندن متن قرآن محدود نمی شود؛ بلکه ایشان با فرمان جدیدی برای انجام فعالیّتی گسترده مواجه است که خواندن آشکار و واضح متن، تنها دروازه ورود به تحقّق این فرمان به شمار می آید؛ و خوانش او می بایست با مفاهیم متعدّد و معنا داری همچون «علم و معرفت، شهود، تدبّر، تعمّق، شهادت، تنسّک، فصاحت و بلاغت، کشف حقیقت، مطالعه و گردآوری درست یعنی بدون کاهش یا افزایش » همراه باشد. با این توصیف فرمان الهی در امر قرائت، حکایت گر اساسی ترین رویکرد جدیدی است که با هم نشینی دیگر مولّفه های اصلی نخستین آیات وحی یعنی مفاهیم« ربّ، کرامت، خلقت، انسان، تعلیم و قلم »، مجموعه ای در هم تنیده از دستگاه فکری و نظام عملی شریعت اسلام را به نمایش می گذارد و نشان می دهد که شریعت تازه، در جهت ایجاد نظامی فرهنگ واره و سیستمی دانش محور تلاش خواهد کرد. و البته در این نظام تربیتی، مسألهٔ قرائت، نقش محوری و مرکزی ایفا می کند. و هم جواری فرمان «اقرأ» با تعبیر «اسم ربّ»؛ حاکی از این است که جهت گیری اساسی این ماموریت جدید، تشکیل جامعه ای توحید محور است. در این هم جواری، از صفت ربّ استفاده شده که جز به خداوند اطلاق نمی شود و در اصل، انشاء چیزی و حال به حال کردن آن تا حدّ تمام است(راغب،۱۸۹) و مالک، کنترل کننده، سرپرست، پرورش دهنده و مسلّط بر مربوب خویش است(هانس ور، ۲۲۳)، این صفت، عنوانی جامع از اراده و قدرت و علم است که همه آثار و صفات و نمودارهای هستی از آن آغاز شده و به آن منتهی می شود. به همین دلیل این ارتباط منحصر به فرد و محبّت آمیز آسمانی که برای پیامبر صلّی الله علیه و آله حاصل شد، مسیر تازه ای از علم و معرفت را به روی او گشود. لذا قرائت در این آیه مبتنی بر علم و دانشی است که از طریق شهود صفات ربّ، حقایق و اسرار پدیده ها و نظم و منشأ و منتهای جهان و حرکت تکاملی آن، نمود می شود(طالقانی، ۴/ ۲۷۷). و این فرمان که به نوعی خارج کردن پیامبر از فضای امّیّت و درس ناخواندگی است، وی را در محیط تازه ای قرار می دهد تا با قرائت یعنی خواندن، تدبّر، تعمّق، کشف شگفتی ها و عجایب هستی و مطالعه اسرار آفرینش و آگاهی از مضامین کتاب تدوین و تعلیم، مسولیّت سنگین خود را آغاز نماید(نخجوانی، ۲/ ۵۱۹). و در ارتباطی وحیانی به ملأ اعلی متّصل شود و دعوتی فراگیر و جهانی را با محوریت عمل به قرآن که کتاب خواندن و تدبّر و تأمّل است آغاز نماید(سید قطب، ۶/ ۳۹۳۸). آن چه آمد این مهم را به دست می دهد که قرائت قرآن با خواندن آغاز می شود امّا به همان تمام نمی شود. بل که با فهم عبارت، تدبّر در آن، و عمل به مضمون آیه کامل می شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

ظرف قرائت

واژه اِقرَأ فعل امر متعدّی است که مفعولٌ به می طلبد. لذا محققان پیرامون این مسأله یعنی ظرف قرائت تحقیق کرده اند. عدّه ای باء در« باسم ربّک » را حرف جرّ زائد دانسته اند در نتیجه واژه اسم، مفعولٌ به و ظرف قرائت به شمار آورده اند(نک: فخر رازی، ۳۲/ ۲۱۵؛ لاهیجی، ۴/ ۸۲۳؛ دعاس، ۳/ ۴۵۷؛ درویش، ۸/ ۳۶۱). شیخ طبرسی بر درستی این رأی تأکید می ورزد و این آیه را با آیهٔ «**سبّح اسم ربّک الاعلی**»، در اعراب گذاری همسان می داند(طبرسی، ۳۷/ ۱۷۸)؛ امّا برخی دیگر این وجه اعرابی را نمی پسندند و مفعولٌ به را محذوف گرفته اند(نک: صافی، ۳۰/ ۳۶۴؛ بیضاوی، ۵/ ۳۲۵). علامه طباطبایی که جزء این گروه به شمار است تأکید می کند که تقدیر کلام «اِقرَأ القرآن» است و یا چیزی که گویای این معنا باشد(طباطبایی، ۲۰/ ۷۴۷). در این تحلیل اعرابی تعبیر« اقرأ ما أنزل الیک مفتتحاً باسم ربّک» مقدّر است(زمخشری، ۴/ ۷۷۵؛ نحّاس، ۵/ ۱۶۲). بر اساس تحلیل اخیر ظرف مطالعه پیامبر اسلام، کتاب تدوین است؛ یعنی خداوند به پیامبر اسلام فرمان می دهد که با استعانت از اسم ربّ به قرائت قرآن بپردازد. امّا طبق گرایش طبرسی ظرف قرائت و بستر مطالعه پیامبر اسلام اسم ربّ است. اسم یا از سُمُوّ اخذ شده که در این صورت والا، بلند، بر فراز و ارجمند معنی می شود(ابن منظور، ۱۴/ ۳۹۷) و یا از ریشه وسم گرفته شده که بر اثر و نشانه و علامت دلالت دارد(ابن فارس، ۱۰۹۱). در نتیجه چنان چه این قول پذیرفته شود، کلّ هستی به عنوان اثر و نشانه خداوند، اسم ربّ است که ظرف قرائت پیامبر به شمار می آید. این توجیه اعرابی با لایه های مختلف معنایی که برای واژهٔ قرائت آورده شد و همین طور با رهنمودهای مدیریّتی هم خوانی دارد و توجیه گر فرایند مسولیّت رسالت و هدایت نبوی و گستره وسیع آن خواهد بود. گویا لازم است پیامبر در آغاز رسالت با حوزه سازمانی خود آشنا شود و معرفت و شناختی دقیق از گستره مدیریتی خود که جهان هستی است به دست آورد. لذا فرمان سیر و سلوک پیامبر و مطالعه شهودی در عالم خلقت صادر می شود(نقی پور فر،۱۳۰). بنابر این در این شیوه اعراب گذاری، قرائت از نوع خواندن متن نیست بلکه از نوع مطالعه شهودی است. به این معنا که خداوند، پیامبر خود را طیّ یک جریان شهودی در عالم خلقت و ملکوت هستی سیر می دهد تا با حقیقت حوزه سارمانی فعّالیت و مدیریّت جدید خود آشنا شود و حقیقت آفاق و انفس و ملکوت هستی را مشاهده کند و در آن سیر نماید. بر این اساس، دو آیه« **اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ** » و « **سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى**» در حیطه معنایی مشترک و متناظری جای می گیرند (طبرسی، ۳۷/ ۱۷۸). دلیل توجّه دادن این دو آیه به قرائت و تسبیح اسم این است که در حقیقت انسان از طریق اسم به مسمّی راه می یابد؛ یعنی ابتدا با الفاظ مانوس می گردد، و از طریق لفظ به معنی پی می برد و از معنی و مفهوم الفاظ راهی به سوی معرفت حقیقی پیدا می کند(امین اصفهانی، ۱۵/ ۱۹۲).

متعدّی بودن فعل امر «اقرأ» در نخستین آیه تنزیلی، و فضا سازی برای تفحّص و جستجو در مفعولٌ به آن، ما را به این فهم رهنمون می سازد که بتوانیم هر دو برداشت تفسیری که یکی علامه طباطبایی و دیگری شیخ طبرسی شاخص

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

تبیین آن بودند را با هم جمع کنیم. حاصل جمع این دو برداشت تفسیری از آیه آن است که ظرف قرائت پیامبر اسلام کتاب تدوین و کتاب تکوین است. جای دادن کتاب تکوین در جوار کتاب تدوین به عنوان ظرف قرائت پیامبر، با بیان قرآن در باره چگونگی نزول وحی بر پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله، که محلّ و مهبط آن را قلب ایشان معرفی می کند هم خوانی دارد: « **نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ** » (الشعراء، ۱۹۳ و ۱۹۴). چنان که نقل است که وقتی از پیامبر(ص) در باره چگونگی وحی سوال شد در جواب گفت: وحی آن است که خداوند بر پیامبرش می فرستد و در قلب او ثابت می ماند؛ پس با آن تکلّم می کند و آن کلام الله است(سیوطی، ۱/ ۱۶۵). از این رو می توان ظرف قرائت را هر دو کتاب تدوین و کتاب تکوین که مخلوق آفریدگار هستی اند در نظر گرفت. در این صورت فرمان قرائت در دو معنا قابل توسعه است: قرائت کتاب تدوین همراه با تدبّر، فهم و عمل به ؛ و مطالعه و سیر در کتاب تکوین.

چگونگی قرائت پیامبر و بایسته های قرائت مسلمانان

پیامبر اسلام نخستین قاری قرآن به شمار می آید که شیوه درست قرائت را مراعات نموده و طبق دستور خداوند آن را برای دیگران قرائت و تلاوت می کرد(الاسراء، ۱۰۶). قرآن به پیامبر یادآوری می کند که خداوند قرآن را ترتیل می نماید: « **وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا**» (الفرقان، ۳۲). و از میان انسان ها، اختصاصاً به ایشان توصیه می کند که قرآن را ترتیل نماید: « **وَ رَتِّلِ الْقُرآنَ تَرتِيلاً**»(المزمل، ۳). گفته اند: قرآن را ترتیل کن یعنی آن را با وضوح و هویدا بخوان و حروف و کلمات را به خوبی جمع کن(طبری، ۲۹/ ۸۰). چرا که ترتیل آن است که متن با تأنّی خوانده شود و ترکیب حروف و واژگان با یکدیگر به خوبی صورت پذیرد(فراهیدی، ۸/ ۱۱۳). و کمال ترتیل در واضح خواندن متن همراه با تدبّر و تفکّر در آیات است(زرکشی، ۱/ ۴۴۹). راغب رتل را در معنی جمع کردن چیزی و نظام بخشیدن به آن بر پایه استقامت آورده و می گوید: به شخصی که دندان هایش مرتب و محکم باشد می گویند: رتل الاسنان؛ و در گفتار ادای کلمه به سهولت و استقامت را ترتیل گویند(راغب،۳۴۱). قرطبی در باره این دستور اختصاصی خداوند به پیامبر می گوید: یعنی قرآن را با شتاب مخوان؛ بلکه با تأنّی و همراه با تدبّر بخوان(قرطبی،۲۰/ ۳۷). ملا حویش می گوید: یعنی در ادا کردن به تبیین و فصیح بخوان و در آن به گونه ای تفکّر کن که با معانیش حضور قلب حاصل شود و با مبانی اش نفس به لذّت معنوی برسد(ملا حویش، ۱/ ۹۱). ملاحظه می شود که مأموریت پیامبر، ترتیل قرآن است که به معنای خواندن همراه با با تأنّی و تدبّر و دقّت، و درست ادا کردن حروف و کلمات آن دانسته اند. گزارش هایی که از نوع قرائت پیامبر رسیده این امر را تأیید می کند. این گزارش ها حاکی از آن است که ایشان در پرداختن به امر قرائت قرآن، تنها به خواندن متن آیات و سوره ها اکتفا نمی کرد بلکه تدبّر، تأثیر پذیری و عمل به آیات هم در محدوده قرائت پیامبر جای می گرفت. روایتی از حذیفه رسیده که می گوید: شبی با پیامبر نماز گزاردم. به سوره البقره آغاز کرد و آن را

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

خواند سپس سوره نساء و آل عمران را خواند. ایشان آیات را با تأنّی می خواند و هرگاه به آیه ای می رسید که در آن تسبیح بود، تسبیح می گفت و اگر در آیه ای دعا بود، دعا می کرد و در هر آیه ای پناه بردن به خدا بود، به خدا پناه می برد(سیوطی، ۱/ ۳۴۶). بر همین اساس زرکشی معتقد است خداوند با فرمان «اقرأ» به پیامبر اسلام، دستور خواندن صرف قرآن نداده است بلکه به ایشان امر کرده تا قرآن را به روش ترتیل قرائت کند. وی نتیجه می گیرد که شایسته است مسلمانان هم از ایشان تبعیت کنند و قرآن را باهمین روش قرائت کنند. وی کمال ترتیل را در این می داند که قاری الفاظ را واضح و حروف را روشن بخواند و در خواندن آیات فصیح خوانی پیشه کند و در هر آیه ای تدبّر نماید و بین نَفَس قبلی با نَفَس بعدی مکث نماید تا نَفَسش برآید و حروف را در هم دیگر پنهان نسازد. و در هنگام خواندن قلبش را در معنای عبارت ها مشغول دارد و تا زمانی که معنای آیه ای را درک نکرده از آن نگذرد. وی یادآوری می کند که خواندن قرآن بدون تدبّر مکروه است و پیامبر در توصیف خارجان از دین می فرماید: قرآن را می خوانند در حالی که از حنجره ها و گلوهایشان تجاوز نمی کند(زرکشی، ۱/ ۴۵۵). سخنی از امام علی علیه السلام در دست است که لزوم تأسّی مورد تأکید زرکشی را تأیید می کند؛ چرا که روش ترتیل خوانی را به مخاطبان خود آموزش می دهد. ایشان ترتیل خوانی را قرائت همراه با وضوح معنی می کند و می فرماید: آن را واضح قرائت کنید و همانند شعر آن را سریع مخوانید و کلمات آن را شتاب زده پراکنده مسازید، بلکه دل های سختتان را هنگام خواندن آن ترسان کنید(میبدی، ۱۰/ ۲۶۶). از ابن عباس نقل شده که در باره آیه « **انّ علینا جمعه و قرآنه * فاذا قرأناه فاتّبع قرآنه**» گفت: تبعیت از قرآن آن، یعنی هنگامی که آن را گرد آوردیم و در سینه ات تثبیت کردیم به آن عمل کن(راغب، ۶۶۸). قرآن کریم مسلمانان را هم مانند پیامبر مخاطب قرار داده و بر قرائت مستمرّ قرآن تأکید می کند و می فرماید: « **فَاقرَووا ما تیسّر من القرآن** » تا می توانید قرآن بخوانید»(المزمل، ۲۰). برخی گفته اند فرمان اقرأ در آغاز سوره علق امر به قرائت قرآن برای خود پیامبر و تکرار آن در آیه سوم این سوره امر به تبلیغ است تا قرائت را به دیگران بیاموزد(طبرسی،۱۰/ ۳۵۶).

بر اساس آنچه از لایه های معنایی قرآن آوردیم و با در نظر گرفتن روش پیامبر اسلام در قرائت قرآن، باید گفت: قرائت قرآن عملی چند لایه ای و چند حیطه ای است که قاری می بایست برای پرداختن به تلاوت آیات به همه این لایه های معنایی توجه کند تا بتواند به قرائت اثر بخش بپردازد. قرائتی که به مسلمانان توصیه شده به معنای تلاشی علمی و ارتباط محور است که حاصل آن دستیابی به نوعی اشراق درونی و بصیرت باطنی است که از شعاع خورشید تغذیه می شود و قاری را با چهره هایی از حقیقت آشنا می سازد و فراتر از ادراک حسّی است(اقبال لاهوری، ۲۰). از این رو قاری باید به گستره ای از شرایط و ضوابط قرائتِ درست بیندیشد که سه مقطع زمانی قبل، حین و بعد از خواندن را در بر می گیرد. علاوه بر آن در حوزه شخصیتی، چهار محور حسّ، قلب، گفتار و رفتار قاری را شامل می شود؛ چرا که قرائت در این فرایند معنا دار به منزله تلاش، مطالعه و جستجوی قاری است برای

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

دستیابی به گوهر قرآن تا از آن اذواق و مواجید بهره مند گردد. در چنین فرایندی، معارف قرآن همچون گوهری است که در درون صدف الفاظ و عبارت های عربی جای گرفته است که تلاش قاری از نزدیکی و هم نشینی با صدف ظاهری آغاز می شود و با ارتقا به لایه های درونی آن ادامه می یابد؛ با این هدف که به گوهر درونی صدف یعنی حقایق قرآن دست یابد. صدف قرآن که همان رویه بیرونی و خارجی آن است عبارت است از صامت ها و مصوّت هایی که متولّی آن علم تصحیح مخارج حروف در ادا و تصویت است. امّا لایه های زیرین قرائت، معرفت و شناخت خداوند و رسیدن به مقام توحید است(غزالی، ۵۹).

ملاحظه می شود که قرائت قرآن از سطح رویین آن یعنی خواندن آغاز می شود و تا معرفت به خداوند تداوم می یابد. از این رو امام علی علیه السلام زیبایی های معنوی قرآن را تا عمق اقیانوس وارهٔ آیات دنبال می کند و می فرماید: «**أنّ القرآن ظاهره انیقٌ و باطنه عمیقٌ و لا تفنی عجائبه و لا تنقضی غرائبه**» براستی که قرآن ظاهرش بسیار زیبا و باطن آن بسیار عمیق می باشد. شگفتی هایش تمام نمی شود و ناشناخته هایش پایانی ندارد»(سید رضی، خطبه۱۸).

نتیجهٔ چنین نگاهی به سطوح معنایی و زیبایی قرآن این است که قرائت قرآن با هدف بهره مندی از اعماق آن، اندیشه ای متدبّر و غوّاص می طلبد و روحی تشنه و جستجو گر می خواهد تا با قرائت نیکوی آیات به درّهایی از این اقیانوس بی کران دست یابد(نقی پور فر، ۴۳۶). و شایسته است که قلب در هنگام قرائت، در معنای واژگانی که تلفظ می کند به تفکّر مشغول شود و آنگاه که به آیه رحمت می رسد در آن تأمل کند و به وعده هایی که خداوند داده است بیندیشد و نشاط یابد و نعمت های بهشتی را از خداوند طلب کند و چون آیه عذاب قرائت می کند در آن توقف کند و در معنایش تأمل نماید و از خداوند درخواست کند که او را از عذاب در امان بدارد(زرکشی، ۱/ ۴۵۰). با تکیه بر همین بایسته های قرائت است که مسلمانان تدبّر و اندیشیدن در آیات در هنگام قرائت را سنت دانسته اند(سیوطی، ۱/ ۳۴۵). و یکی دیگر از سنت های قرائت، تعویذ به شمار می آید(همان، ۳۴۲).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

نتایج مقاله

در فرایند نزول متن آسمانی قرآن بر پیامبر اسلام(ص) نخستین واژه ای که به عنوان فرمان اصلی و اساسی در تحقّق این بعثت بر پیامبرصلّی الله علیه و آله نازل شد فعل امر« **أقرأ** » بود که حاکی از جایگاه و اهمیّت نقش قرائت در دریافت و ابلاغ رسالت الهی است. این واژه در حیطه معنا شناختی، در بر دارنده معانی متعددی مانند « خواندن، تدبّر، تفکّر، شهود مبتنی بر علم و آگاهی، وضوح در خواندن، رعایت اصول تجوید ، جمع آوری، مطالعه و پژوهش » است؛ که از یک سو حاکی از مسولیّت سنگین پیامبر صلّی الله علیه و آله است و از سوی دیگر بیان گر رویکرد جدیدی است که دین اسلام برای هدایت جوامع بشری در پیش خواهد گرفت. به همین لحاظ در پنج آیه نخستین سوره علق که بر پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله نازل شد، این واژه محوری وکلیدی با مفاهیم اثر گذار دیگری مانند « اسم ربّ، خلقت، تعلیم، قلم و انسان » در هم می آمیزد که مجموعه ای در هم تنیده را تشکیل می دهند و نشان می دهد از یک سو پرداختن به قرآن در شریعت اسلام حائز اهمیت است و از دیگر سوی، علم و دانش در فرایند سازمان دهی جامعه اسلامی نقش بسزایی خواهد داشت. از اینجا می توان به مسولیت خطیر مسلمانان در معنا گذاری نوینی برای قرائت قرآن پی برد؛ به این معنا که لازم است به گونه ای قرائت قرآن تعریف شود که تفکّر و تدبّر در آیات و دستیابی به حقایق قرآنی از طریق مطالعه هدفمند، محور خوانش آن ها قرار گیرد و بتوانند با ورود به لایه های مختلف معنایی آیات قرآن به عنوان دستور العمل زندگی، شیوه درست زیستن را از طریق قرائت قرآن کشف کنند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

کتابشناسی

۱- قرآن کریم

۲- ابن اثیر، عبدالکریم بن عبدالوهاب، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر،۱۳۸۵ق

۳- ابن فارس، احمد، معجم المقاییس فی اللغه، چاپ دوم، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۸ق

۴- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق

۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۸ق

۶- ابن هشام، السیرة النبویه، تحقیق ابراهیم الابیاری و دیگران، مصر: مطبعهٔ مصطفی البانی الحلبه، ۱۹۳۶م

۷- ابو زید، نصر حامد، معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، چاپ سوم، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲

۸- اقبال لاهوری، محمد، احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: رسالت قلم، بی تا

۹- انیس، ابراهیم، المعجم الوسیط، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴

۱۰- بانوی اصفهانی، سیده امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱

۱۱- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق

۱۲- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۶۸

۱۳- الدرویش، محیی الدین، اعراب القرآن، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ق

۱۴- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، منشورات المکتبه العصریه، ۱۳۹۱ق

۱۵- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و..، بیروت: دار الکتاب العربی، ۱۴۰۷ق

۱۶- زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۸ق

۱۷- سید رضیّ، نهج البلاغه « مجموعه سخنان امیر المومنین »، قم: نشر امام علی،۱۳۶۹ش

۱۸- سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق،۱۴۱۵ق

۱۹- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تهران: انتشارات امیر کبیر،۱۳۶۳ش

۲۰- صادق رافعی، مصطفی، اعجاز قرآن و بلغت محمد، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ش

۲۱- صافی، محمود بن عبدالرحیم، الجدول فی اعراب القرآن، بیروت: دار الرشید، ۱۴۱۸ق

۲۲- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: بنیاد علمی علامه طباطبایی، ۱۳۶۳

۲۳- همو، قرآن در اسلام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶

۲۴- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۴ق

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]

۲۵- طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا
۲۶- غانم قدّوری، الحمد، رسم الخط مصحف، ترجمه یعقوب جعفری، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ش
۲۷- غزالی، محمد، جواهر القرآن، ارومیّه: موسسه انتشارات حسینی اصل، ۱۳۸۹ش
۲۸- فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب،بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق
۲۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین؛ قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق
۳۰- فضلی، عبدالهادی، مقدمه ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم، ترجمه محمد باقر حجتی، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۶۵ش
۳۱- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش
۳۲- کمالی دزفولی، علی، شناخت قرآ»، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۰ش
۳۳- لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف، تهران: دفتر نشر راد، ۱۳۷۳ش
۳۴- لسانی فشارکی، محمد علی، قرّاء سبعه و قرائات سبع، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۹۱ش
۳۵- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده،تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش
۳۶- معرفت، محمد هادی()، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۸ش
۳۷- قلی پور، ولی الله، تدبّر در قرآن، قم: انتشارات اسوه، ۱۳۷۴ش
۳۸- ملا حویش آل غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، مطبعه الترقی، دمشق: ۱۳۸۲ق
۳۹- میبدی، ابوالفضل، کشف الاسرار و عده الابرار، انتشارات امیر کبیر، تهران: ۱۳۷۱ش
۴۰- نخجوانی، نعمت الله بن محمودی، الفواتح الالهیّه و المفاتح الغیبیّه، مصر: دار رکابی للنّشر، ۱۹۹۹م
۴۱- نویری، شهاب الدین احمد، نهایه الارب فی فنون الادب، ترجمه مهدی دامغانی، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴ش
۴۲- واقدی، محمد بن عمر، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶ش
۴۳- هانس ور، فرهنگ معاصر عربی فارسی ، مترجم: آذرتاش آذر نوش، چاپ چهارم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ش
۴۴- هولت، پی. ام، تاریخ اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۶ش
۴۵- یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه ابراهیم آیتی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶ش

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.17352770.1393.14.29.6.1]